

ایران در شرق باستان توسط مطبوعه دانشگاه اکسفورد منتشر گردید.

تحقیقات بعدی توسط جویدیت لرنر در سالهای نخستین ۱۹۶۰ روی قطعه نقش برجسته از تالار صد ستون صورت پذیرفت، این قطعه هم اینک در موزه هنرگ کمبریج (ماساجوست) نگهداری می‌شود.

با توجه به همین بررسیها بر آن شدم تا جستجوی تفصیلی‌تری را درباره تکنیک رنگ و کاربرد آن در تخت جمشید انجام دهم.

در حین مرمت دست‌انداز واقع در گوشه جنوب غربی صفت تخت جمشید، که زیر برخی از قطعات فرو افتاده پیدا شد، قطعاتی از سفال که حاوی رنگهای قرمز، سبز، آبی و دیگر رنگهایی که قابل تشخیص نبود یافت شد. ماده رنگی قرمز اکسید آهن، سبز ترکیبی از کریستالهای آبی و مالاکیت، آبی با سیمایی شیشه‌ای، سلیکاتی مشابه آبی مصری است، که در خاور نزدیک بسیار معمول است.

در سالهای بعد شواهد زیاد دیگری از کاربرد رنگ در تخت جمشید مشاهده شد که در جلد دوم کتاب "مطالعات و مرمت در تخت جمشید و دیگر محوطه‌های فارس" تألیف آن بریت تیلیا که به سال ۱۹۷۸ توسط ایزمئو در رم منتشر شده است، مستند گردیده است.

در سالهای بعدی توقفم در تخت جمشید قصد آن داشتم که بر روی نقش اهورامزدا که در بخش فوقانی بدنه راست درگاه تالار شورا یافت شد مطالعات خود را ادامه دهم.

ابعاد آن $۱/۱۰ \times ۲/۴۰$ متر است و از دو قطعه سنگ آهکی خاکستری تیره روی هم قرار داده ترکیب شده است؛ سطح این سنگ به علت دور ماندن از دسترس خرابکاران در وضع استحفاظی بسیار خوبی قرار دارد. نقش زیر آن شاه را نشان می‌دهد که از بیرون به درون تالار می‌آید و تا حدی دست‌ها و صورت آن با تیشه آسیب رسیده است.

۱- صفحه ۱۳۲۱-۳ از کتاب مجموعه مقالاتی که در سال ۱۹۹۵ به افتخار اوژنوگالدیری توسط موسسه انتشاراتی Arte e Moneta در شهر لوگانو منتشر شده به چاپ رسیده است.

نکاتی درباره کاربرد رنگ در تالار شورا

در تخت جمشید

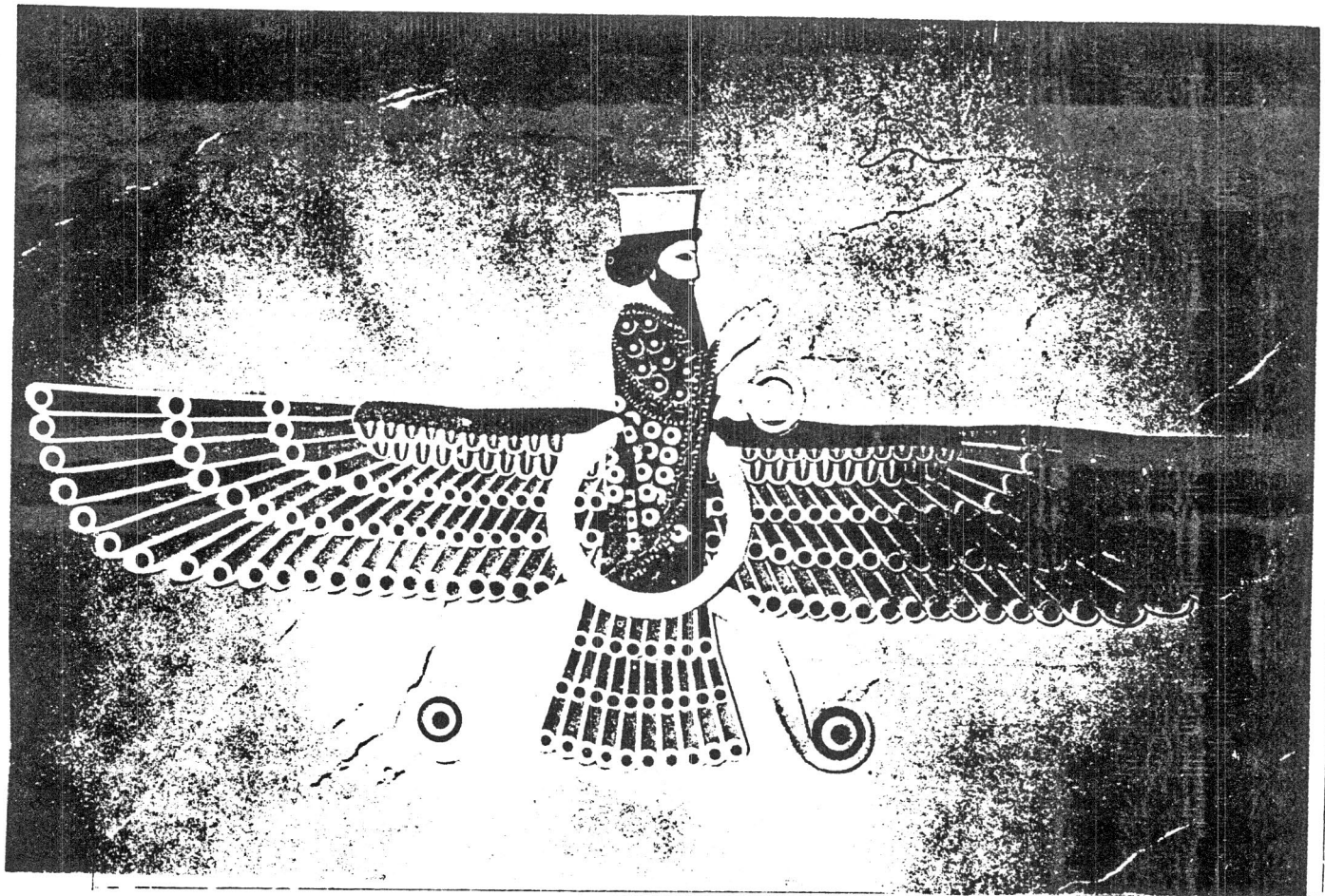
نوشته: جوزپ تیلیا

برگردان: ب. شیرازی^(۱)

در سالهای بین ۱۳۶۳/۱۹۶۴ تا ۱۳۵۷/۱۹۷۹ که سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران مطالعه و مرمت در تخت جمشید را انجام می‌داد هدایت امور علمی و فنی آن را به موسسه ایتالیایی ایزمئو سپرده بود که به نوبه خود پروفیسور توجی رئیس مؤسسه مذکور هدایت امور کارگاه را به عهده من واگذار کرد. کارهای مطالعاتی و تعمیراتی روی برخی از آثار برگزیده نظیر: دروازه ملل، درگاه ناتمام، دروازه تالار صد ستون، تالار شورا، آپادانا و برخی از کاخها از جمله کاخ داریوش متمرکز شده بود. در طول سالها فعالیت این توفیق را یافتم که با همکاری برخی از استادکاران ایتالیایی حدود شصت تن استادکار و کارگزار ماهر را در انجام کارهای فنی، مرمت و رولوه تربیت کنم. نتایج این فعالیت را در جلد اول کتاب تحت عنوان "مطالعات و مرمت در تخت جمشید و دیگر محوطه‌های فارس" که توسط ایزمئو در سال ۱۳۵۱/۱۹۷۲، تألیف آن بیت تیلیا منتشر گردید انعکاس یافته است.

از میان موضوعات قابل توجه در ارتباط با مرمت موضوع کاربرد رنگ در پرسپولیس بود.

مطالعات قبلی انجام یافته توسط ارنست هرتسفلد سرپرست هیئت باستان‌شناسی مؤسسه شرقی شیکاگو، در سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۴/۱۳۱۰/۱۳۱۳، توجه به استفاده از رنگ در برخی از نقش برجسته‌ها را جلب شد، که به علت زیر خاک بودن محفوظ مانده بود؛ مطالعه بر روی آب رنگ نقش اهورامزدا (فَرَوَهَر) روی بدنه درگاه ورودی تالار صد ستون به طور سیاه و سفید در کتاب



بازسازی رنگهای نقش برجسته تمثال اهورامزدا (فَرَوَهَر) که روی بدنه راست درگاه تالار شورای (مرکزی) تخت جمشید می باشد.

از فرو ریختن آثار معماری، موفق شدم که به طور کامل شکل اهورامزدا را بازسازی کنم. که علی‌رغم تغییر ابعاد، در تمام شکل‌گیری آن رنگ خود را حفظ می‌کند. (شکل ۱)، اهمیت این نماد به خاطر حضورش در تمام صحنه‌هایی است که شاه را در تخت جمشید و نقش رستم نشان می‌دهد. مطالعه‌ای که در اینجا بازسازی شده است و براساس بررسی دقیق تمام جزییات تزییناتی است می‌تواند نزدیکترین شکل به اصل باشد، با توجه به رنگ‌های تند و طلاکاریها و بازی سایه روشن حاصل از نقش برجسته‌ها.

در کتیبه‌های بنیانگذاری در شوش که به زبان ایلامی نوشته شده و در کاوشهای سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ توسط کاوشگران فرانسوی یافت شده است، چنین آمده است که کوروش برای تزیین کاخ خود جواهرسازان مصری و مادی را فرا خوانده است. بر روی نقش برجسته‌های تخت جمشید نشانی از طلا دیده نشده است و در برخی از نقاط، برای مثال، روی کنده‌های حاشیه امتداد بالهای اهورامزدا (فَرَوَهَر)، لایه‌ای متخلخل وجود دارد که نشانی از حضور یک نوع فلز است. و احتمالاً حاصل آتش‌سوزی سال ۳۳۰ پیش از میلاد بر اثر تخریب حاصل از حمله اسکندر است. در مقابله و مقایسه با قطعات تزیین شده، بدست آمده به ویژه

